

توده ها را گرفته ، حشاه ظلم و هتر آنها را از نظرشان مخفی نگه میدارد و خشم توده ها را از دشمن واقعی آنها حشرف میکند . لازمست بین مبارزه توده ای مردم عرب و ایدئولوژی غالب در این مبارزه ، که تا بحال عمدتاً ناسیونالیسم عرب بشکلهای مختلف آن بوده ، فرق قائل شد . این مبارزات بر علیه امپریالیسم و صهیونیزم و برای وحدت ملی و پیشرفت اقتصادی مبارزاتی است حترقی و انقلابی . اما ایدئولوژی ناسیونالیسم عرب ، دیگر نمیتواند نقش تاریخی حترقی در هدایت این مبارزات بازی کند . فقط یک جنبش آگاه طبقاتی و پیروزی آن خواهد توانست به حل کامل این مسائل بپردازد .

۱- در این تجربه تاریخی جنبش فلسطین یکبار دیگر ورشکستگی سیاسی تئوری و عمل جدا کردن جنبش ملی و طبقاتی از هم ثابت رسید . چه تئوریهای الفتح که گلبه فلسطینیها را با اتحاد در راه هدف مشترک برقرار کرد و دولت دموکراتیک در فلسطین میخواند و ادعا میکرد که در این راه خصوصت های طبقاتی را قیلاً باید کار گذاشت و

چه تئوریهای جناح چپ جنبش فلسطین که تضاد با اسرائیل را * تضاد اصلی * خوانده ، مبارزه با دول عربی را * تضاد فرعی * لقب داده ، مرحله دورتری محمول میکرد در عمل بشکست جنبش ملی یعنی بقانونی در حل همان * تضاد اصلی * هجر شد و بار دیگر ، صحت تئوری انقلاب مداوم را ثابت نمود .

۲- علاوه بر مساله ملی فلسطینیها و مبارزه علیه صهیونیزم و مبارزه در راه وحدت ملی عرب ، مسائل دموکراتیک دیگری نیز باقی مانده ، نظیر حل اساسی مساله ارض ، مساله طیبتهای ستمزده در دنیای عرب (سودانیهای جنوب کردها ، ۱۰۰۰) حل گلبه این مسائل فقط با ادغام این مبارزات با مبارزه طبقاتی یعنی فقط بصورت یک جنبش آگاه طبقاتی ، بظهور در هم شکستن قدرت دول عربی و اسرائیل و جانشین کردن آن با دولت کزگری ، یعنی با پیروزی انقلاب سوسیالیستی در دنیای عرب ، امکان پذیر خواهد بود . ■

رابعه

کنفدراسیون :

عملکرد سالهای اخیر

کنگره های دلبرگ شرکت کرده بودند اعلام نمودند و بدین ترتیب کنفدراسیون دانشجویان ایرانی بوجود آمد که به کنفدراسیون اروپائی معروف است . در سال بعد یعنی در ژانویه ۱۹۶۲ کنگره پاریس تشکیل شد و برای اولین بار هیئت نمایندگی سازمان دانشجویان ایرانی در امریکا شرکت نمود و پشتیبانی و حمایت خود را از کنفدراسیون اعلام داشت . نمایندگان دانشجویان دانشگاه تهران با وجود علاقه زیاد ولی بعثت فشار پلیس حاکم بر ایران موفق نشدند نماینده ای بکنگره اعزام دارند ولی پیاهی بکنگره ارسال داشتند . پیوستن سازمان دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) بوجود آمد و از آتسال بعد هفتم ساله کنگره های کنفدراسیون در اروپا برگزار شده است . (۱ ، ص ۲۹)

تنها نیروهای متشکل سیاسی که در جریان ساختن کنفدراسیون نقش بنده ای بازی کردند ، حزب توده

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و خلفان شدیدی که بدنیال آن بر اتعسفر سیاسی ایران حاکم شد ، عده زیادی از مبارزین دستگیر و زندانهای رژیم فرستاد شدند و عده ای هم مجبور به ترک کشور و ادامه مبارزه در خارج گشتند . این عده و گروههایی از محصلین ایرانی طبق اروپا و امریکا کنفدراسیون را پایه ریزی کردند . در سال ۱۹۶۰ کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی - کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در انگلستان و اتحادیه دانشجویان ایرانی فرانسه گرد هم جمع شدند تا مقدمات پیوستن سایر واحد های دانشجویی در نقاط مختلف جهان را فراهم آورند . این کنگره در شهر های دلبرگ آلمان برگزار شد و سیس به کنگره های دلبرگ معروف گردید . در ژانویه ۱۹۶۱ کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اطرش و انجمن دانشجویان ایرانی در سوئیس همبستگی خود را با سایر کنفدراسیونها که در

وجبهه ملی بودند. واضح است که برنامه سیاسی این دو نیرو و شناخت آنها از مفهوم سازمان دانشجویی در ماهیت سیاسی گذر راسیون و تغییرات بعدی آن تاثیر قاطعی گذاشت. با وجود تضعیف گئی نیروهای حزب توده در گذر راسیون و تحولات ناشی از گنگره هفتم، هیچ تغییر کیفی در عقاید بنیادی این سازمان بیوجه نبودسته است.

ارزیابی حزب توده از نقش خود در شکست جنبش ایران بود که با رهبری بورژوازی آن ائتلاف نکرد. در صورتیکه عامل اساسی این شکست درست همین افتادن رهبری بدست بورژوازی بدلیل عدم وجود حزب انقلابی کارگری بود. این ارزیابی غلط از شناخت مرحله ای حزب توده از انقلاب ایران ریشه میگیرد. بنا بر مفهوم دو مرحله ای انقلاب، لازم بود که در این مرحله (* مرحله دوموکراتیک*) کلیه طبقات ضد امپریالیست در جبهه خلقی متحد شدند. این درس که حزب توده از شکست جنبش گرفت و آن مفهومی که از سازمان توده ای دانشجویی داشته و پایه مشترک سیاسی برای ایجاد یک سازمان دانشجویی با جبهه ملی را فراهم آورد.

بنا بر نوشته‌جات حزب توده هدف از تشکیل گذر راسیون این بود که یک سازمان توده ای دانشجویی بوجود آید تا بتواند توده های دانشجویی را - صرف نظر از تفاوت عقاید سیاسی و اجتماعی - در چارچوب فعالیت علمی و قانونی، برای دفاع از حقوق و منافع علمی و سیاسی آنان متشکل سازد. (۲ ص ۱۵) ولی پس از مدتی اختلافاتی بر سر اجرای این هدف در درون گذر راسیون بوجود آمد. از طرفی توده ای صرفاً دفاع از حقوق علمی و سیاسی را کافی ندانسته، تاکید را در دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزات ضد امپریالیستی گذاشته و از سوی دیگر توده ای (به خصوص طرفداران حزب توده) تمرکز بر فعالیتها سیاسی خارج از چارچوب فعالیت علمی و قانونی را در یک سازمان توده ای و دانشجویی مقتضی ندانند. علاوه بر این اختلافات سیاسی احزاب کمونیست چین و شوروی نیز بنوع خود در داخل گذر راسیون منعکس میگردد. این اختلافات باعث شد که جناحی از طرفداران سیاست حزب کمونیست چین مخالفین خود (یعنی هواداران حزب توده) را عملاً از گذر راسیون اخراج کند. از این پس تخییراتی گئی در رهبری و برنامه گذر راسیون بوجود آمد. تمرکز فعالیتها بر محور مسائل ضد امپریالیستی و دفاعی گذاشته شد. حضور گذر راسیون مصوبه گنگره ۱۲ آترا چنین توجیه کرد: "فعالیت و مبارزات گذر راسیون

در جهت تامین حقوق علمی اجتماعی و سیاسی دانشجویان است و از آنجا که تحقق این خواستها تنها با تامین حقوق اجتماعی و سیاسی مردم ایران که از طرف رژیم ایران بدلیل ماهیت ضد خلقی آن بکلی پایمال میشود امکان پذیر است وظیفه گذر راسیون عبارتست از مبارزه با نقض این حقوق بدست رژیم ایران، افشاء ماهیت رژیم و علل تجاوز به حقوق مردم و ماهیت وسائل سازمانها و روشی که مورد استفاده رژیم قرار میگیرد و شرکت در مبارزات دمکراتیک و ضدامپریالیستی مردم ایران و پشتیبانی از این مبارزات. بحیثارت دیگر گذر راسیون سازمانیست که از تشکیلات دانشجویان ضد امپریالیست ایرانی بوجود آمده و سازمانیست ضدامپریالیستی - ضدارتجاعی - توده ای علمی و دمکراتیک" (اساسنامه گذر راسیون)

تائید صریح مضمون ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی گذر راسیون بدون شک قدمی بود به جلو در روشن تر ساختن نقش سیاسی آن و پیوند این سازمان با مبارزات داخل ایران. با این وصف شناخت غلط قبلی از یک سازمان دانشجویی کماکان باقی ماند: "از آنجا که در گذر راسیون دانشجویان با طرز تفکرهای گوناگون و پیشه های متفاوت اجتماعی گرد آمده اند ضرورتاً گذر راسیون نمی تواند از ایدئولوژی مشخصی پیروی نماید... نه میتواند و نه صلاحیت آنرا دارد که در مورد مسائل ریشه ای جامعه که شرط طرح آن ورود به بحثهای ایدئولوژیک و موضع گیریهایی طبقاتیست اظهار نظر نموده و یا موضع گیری بعمل آورد" (۳)

تذوق با تعریف گذر راسیون بعنوان یک سازمان ضد امپریالیستی و ضدارتجاعی در تضاد است. چگونه میتوان بدون تحلیل طبقاتی شناخت صحیحی از مبارزه ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی بدست آورد؟ این عقیده که "ضرورتاً گذر راسیون نمیتواند از ایدئولوژی مشخصی پیروی نماید" (تاکید از طاست) خود پیروی از یک موضع ایدئولوژیک است که از دشواری انقلاب دو مرحله ای سرچشمه میگیرد. طرفداران این تئوری میخواهند توده ها در مرحله اول (* مرحله دمکراتیک*) صرف نظر از تفاوت عقاید سیاسی و اجتماعی (یعنی صرف نظر از اختلافات طبقاتی) و بدون پیروی از ایدئولوژی مشخصی متحد شدند. این اوهام اصنام بدون پیروی از ایدئولوژی مشخصی عملاً بمعنی سرافورد آوردن و تسلیم سیاسی در مقابل ایدئولوژی غالب بورژوازدموکراتیک و انسداد پیدایش آگاهی سوسیالیستی در میان دانشجویان میباشد.

در عرض چندین سال گذشته، گذراسیون با مسائل مختلفی از جمله فشارهای شدید دولت ایران و دول غربی نبرانی کردن آن و تهدیدهای ۱۰ سال وندان برای اعضا مواجه شده است. ولی با تمام این مسائل توانسته است خود را وسیعتر و مجهزتر نماید و بر اعضای خود بسیار فزاید (نگره ۱۲ گذراسیون همزمان با غیر-قانونی شدن گذراسیون در آلمان با شرکت بیش از هزار نفر از دانشجویان ایرانی از نقاط مختلف جهان برگزار شد). نیروی محرکه‌ای که طیف این مسائل دشوار توانسته گذراسیون را زنده نگه‌دارد، صرفاً فعالیت‌های داخلی از زندانیان سیاسی و مبارزات ضدامپریالیستی نبوده است. عدم امکان فعالیت‌های علنی در داخل کشور، رابطه تاریخی با مبارزات داخلی، وجود آن بعنوان تنها سازمان "نوده‌ای علنی و دمکراتیک" در سطح جهانی، گذراسیون را قادر به جلب دانشجویان سیاسی و در نتیجه قادر به ادامه حیات و بسط خود نموده است. ولی فعالیت‌های آن بحالی که در بالا مختصراً اشاره شد نتوانسته است حتی در چار-وب اتخاذ شده، نیز مشرتر مورد مطلوب باشد.

با آنکه گذراسیون هم‌اکنون در راه اعضای دیگانه-توری شاه و شرایط ترور و حفظان کشیده، با آنکه از زندانیان سیاسی و مبارزات داخلی دفاع کرده، ولی هنوز نتوانسته از تمام امکانات موجود برای گسترش مبارزه خود استفاده بکند. فعالیت‌های سیاسی واحد لندن (انجمن لندن) در سال‌های اخیر نمونه بارزی از کمبود فوق است. فعالیت‌های لحظه‌ای داخلی، طرح کردن شمارهای ناموزون در رابطه با شرایط عینی ایران، گذاردن اعتصابات غذا و تظاهرات گوناگون بدون در نظر

با آنکه گذراسیون هم‌اکنون در راه اعضای دیگانه-توری شاه و شرایط ترور و حفظان کشیده، با آنکه از زندانیان سیاسی و مبارزات داخلی دفاع کرده، ولی هنوز نتوانسته از تمام امکانات موجود برای گسترش مبارزه خود استفاده بکند. فعالیت‌های سیاسی واحد لندن (انجمن لندن) در سال‌های اخیر نمونه بارزی از کمبود فوق است. فعالیت‌های لحظه‌ای داخلی، طرح کردن شمارهای ناموزون در رابطه با شرایط عینی ایران، گذاردن اعتصابات غذا و تظاهرات گوناگون بدون در نظر



از نقش سازنده فعالیت‌های فرهنگی جلوگیری میکند .
 این روی‌ریاضت‌میشود که امکان مبادله نظریات و دستگاه‌ها
 و دقیق کردن مباحث‌تئوریک وجود نداشته باشد و در
 نتیجه بحث و تحقیق مسائل مبهم متوسط به‌ایران
 در یک سطح پائین باقی بماند . علاوه بر این طی چند
 سال گذشته هیچ نوع انتشاراتی از طرف واحد لندن
 حاوی مسائل صنفی و سیاسی دانشجویی و یا مسائل
 سیاسی مربوطه ، منتشر نگردیده است .
 در هشتم گذرآسیون چنین آمده است : * پایه
 اصلی و واقعی گذرآسیون را توده های وسیع دانشجوی
 تشکیل میدهد و بدینسان شرکت هر چه وسیعتر آنان
 در درون سازمان و برخورداری آن از پشتیبانی وسیع و
 همه جانبه دانشجویان شرط اول پایداری گذرآسیون
 و ضمان پیروزی مبارزات آن است . * واحد لندن در رابطه
 با این اصل یکی از وظایف خود را ۲۰۰۰ ایجاد هسته های
 مستقل و طرفداران جمعی در کالجهای مختلف ۳۰۰۰ می -
 بیند . (ماده ۸ ، بند ۸ الف - اساسنامه واحد لندن ،
 مسوم ۱۹۷۲) * ولی انجمن لندن نه تنها در ایجاد
 چنین هسته هایی پیشقدم نشده ، بلکه حتی برای همکاری
 و تشریک مساعی با انجمنهایی که مستقلاً در این کالجها
 بوجود آمده اند ، مانند سازمان دانشجویان ایرانی
 دانشگاه لندن ، کوششی می‌ذول نداشته . عدم همکاری
 تشکیلاتی - برقراری جلسات عمومی مشترک مبادلات نظر
 بر سر مسائل دانشجویی و گذرآسیون - جلوگیری از
 همکاری و شرکت اعضا در جلسات فرهنگی و عمومی این
 سازمان ، جلوگیری از پخش اعلامیه های خبری دانشجویی
 و بولتنها ، بکار بردن روشهای ناصحیح در ایجاد تفرقه
 بین اعضای دو سازمان باعث شده است که واحد لندن
 خود را از یکی از سازمانهای فعال دانشجویی انگلستان
 کاملاً جدا سازد و در نتیجه امکانات پیشبرد فعالیت‌های
 انجمن از جمله تماس با دانشجویان غیر گذرآسیونی و
 جلب آنها ، برقراری روابط نزدیکتر با دیگر سازمانهای
 دانشجویی و سیاسی از طریق این سازمان ، افزایش اعضا
 (در سالهای اخیر تعداد اعضای انجمن از ۵۰ نفر
 تجاوز نکرده است) و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی اکثریت
 دانشجویان ایرانی مقیم انگلستان و غیره بسیار محدود
 مانده است . در این رابطه برخی از تغییرات اخیر در
 سازمان لندن مفید بوده اند ولی برای رفع کلیه اشتباهات
 گذشته هنوز کافی نیست .

طبقاتی ایران ، عدم وجود برنامه های فرهنگی و تحقیقی
 با در نظر گرفتن نظریات مختلف سیاسی و استفاده از
 روشهای غیر اصولی برای پیشبرد نظریات سیاسی و هم -
 علیه ، باعث جلوگیری از رشد و تغییر طلب فعالیت‌های
 سیاسی گذرآسیون و تشدید بحران فعلی آن شده .
 برای تحلیل این بحران گروههای سیاسی مختلف دلایل
 سیاسی متفاوتی عرضه داشته اند .
 حزب توده پس از انشعاب از گذرآسیون بارها
 به وجود اشکالات گذرآسیون اشاره کرده است . ولی
 بدلیل ماهیت سیاسی نخوده هیچوقت نتوانسته ریشه
 این اشکالات را دقیق و روشن کند . حزب توده دلیل
 وجود این محدودیتها را در این می بیند که * با تحمل
 ایدئولوژی ضد کمونیستی که بصورت سیاست ضد شوروی
 و ضد توده ای بروز میکند ، ایدئولوژی واحدی به یک
 سازمان توده ای تحمیل شده و در نتیجه این سازمان
 توده ای ، عملاً بصورت یک حزب در آمده است ۲۰۰۰
 گردانندگان گذرآسیون عملاً گذرآسیون را جان‌نشین
 احزاب سیاسی کرده اند ۳۰۰۰ روشن است که چنین ساز -
 مانی کونکرتین وجه شبیهی با یک سازمان توده ای ضد -
 امپریالیستی و دموکراتیک دانشجویی ندارد . * (ص ۸۴)
 در واقع شناخت اصلی حزب توده از ماهیت
 سازمان دانشجویی و هیچ فرق کیفی با خود گذرآسیون ،
 همانطور که در اساسنامه و هشتم آن آمده ، ندارد .
 حزب توده هم از اینکه * در سازمان دانشجویی افرادی
 با هشاه طبقاتی و گاه (!) متضاد و در نتیجه با ایدئولوژی
 لوزیها عقاید سیاسی و اجتماعی و مذهبی گوناگون و گاه
 متضاد شرکت دارند * (ص ۱۸) این نتیجه را میگیرد
 که باید توده های دانشجویان را * صرفاً از نظرات در
 عقاید سیاسی و اجتماعی * بدون درگیری در بحث‌های
 ایدئولوژیکی و موضع‌گیریهای ایدئولوژیکی ضد کرد .
 اختلافات بین حزب توده و گذرآسیون نه بر سر این
 مطلب اساسی ، یعنی کیفیت سیاسی اتحاد در سازمان
 دانشجویی است . در این موضوع هر دو مشترک‌المنافع
 هستند . اختلافات سیاسی حزب توده و گذرآسیون
 صرفاً نتیجه اختلافات سیاسی مابین طرفداران سیاست
 شوروی و هواداران سیاست بین می‌باشد . از طرفی
 گذرآسیون بدون بحث عمیق در باره ماهیت بوروکراسی
 شوروی و سیاستهای داخلی و خارجی آن ، بر علیه آن
 موضع‌گیری کرده است . از طرف دیگر حزب توده دلایل
 اصلی اشکالات و کمبودهای گذرآسیون را در موضع‌گیری
 گذرآسیون علیه شوروی و تحمل یک ایدئولوژی ضد -

کمونیستی * و تبدیل گذراییون به يك * حزب سیاسی * میداند * حزب توده * باین هم قناعت نکرده ، برای توجیه کاره گیری سیاسی خود از فعالیتهای گذراییون و فعالیتهای دانشجویی تئوری بانی هم میکند : * هدف اساسی کار در ایران است و کار در خارج باید در خدمت مبارزه در ایران قرار گیرد * و چون در سازمان علمی مانند گذراییون * دانشجویان آگاه و خردی برای اینکه اکثریت بدست آورند ، باید با تمام نیروی خود به فعالیت علمی سیاسی در داخل گذراییون بپردازند ، در نتیجه این فعالیت آنها شناخته خواهند شد و این شناخته شدن بدامنهائی است که از وجود آنها برای کار در ایران دیگر نمیتوان استفاده کرد * بنابراین * گماندن توده دانشجویان و همه مبارزان دانشجو را به صحنه مبارزاتی علمی سیاسی ضد رژیم نادرست میدانیم * و می باید فعالیتهای علمی ضد رژیم را به * گروه کوچکی از کسانی که فعلاً ممکن بازگشت به ایران را ندارند * محول کرد و سایرین باید * با کار مخفی سیاسی و تبلیغاتی خود از این فعالیت علمی ضد رژیم پشتیبانی کنند * و فقط در * جمع های اجتماعی ، فرهنگی ، هنری ، ادبی ، ورزشی * بصورت علمی شرکت نمایند * (۴ صفحات ۲۵ تا ۲۷ تمام تا کیدات در اصل) .

اگرچه در سالهای اخیر گروههایی در گذراییون بوده اند که باشکلات آن بی برده اند ، ولی هنوز هیچ يك نتوانسته اند با تجزیه و تحلیل صحیح از ریشه های بحران علمی به حل وضع موجود ، گنگی کنند . نظریات همگمردر سرفاللات و اسناد و ضامن پیام دانشجو از این قول است * پیام دانشجو هم نظیر حزب توده و خود گذراییون با قبول این فرض شروع میکند که يك انجمن دانشجویی نباید * مواضع ایدئولوژیک در مقابل مسائل مختلف اتخاذ کند * و این * نه می تواند و نه باید وظیفه يك سازمان دانشجویی باشد * . * پیام دانشجو هم مثل حزب توده ، دلیل بحران گذراییون را اتخاذ مواضع ایدئولوژیک * بحثهای مجرد و خسته کننده که هدفش تحمیل برنامه سیاسی این یا آن گروه سیاسی بر گذراییون است * (۵ ، ۶ ص ، تأکید در اصل) میداند * درست بدلیل قبول این موضع اشتباه است (که گذراییون نه میتواند و نه می باید موضعاً ایدئولوژیک اتخاذ کند و از آنجا که دانشجویان از طبقات مختلفند پس داخل يك سازمان دانشجویی هم گنیه عقاید ایدئولوژیکهای سیاسی باید همگمردند) که دانشجویان طرفدار پیام دانشجو بجای درگیری در يك مبارزه سیاسی

با این عقاید اشتباه که اسامی بحران علمی گذراییون است به جنگ و دعواهای تشکیلاتی بر سر * احیای دموکراسی در گذراییون * مشغولند * در اینکه عدم وجود محیط دموکراتیک در اغلب واحدهای گذراییون باز عبادله نظریات و شکافتن و بحث دقیق مسائل سیاسی جلو گیری میکند ، شکی نیست ، ولی مسئله اساسی که خود این عدم وجود محیط دموکراتیک برای بحث هم ناشی از آنست ، ناروشنی تئوریک و فهم غلط گروههای علمی از يك سازمان دانشجویی و رابطه فعالیتهای آن با مبارزات طبقاتی در ایران است * در همین حال اخراج این دانشجویان و سایر اخراجهای نظیر آتسم تا زمانیکه طی يك پروسه طولانی بحث صمیمی و وسیع مسائل فوق الذکر ، پایه سیاسی اتحاد جنبش دانشجویی روشن نشده ، علمی است بمرکزاتیک ، غیر اصولی و غیر سیاسی * .

بحثهای حاد داخل خود گذراییون هم بر سر اینکه آیا * سرنگونی رژیم شاه * باید به هشور گذراییون اضافه شود یا نه انعکاسی است از این بحران سیاسی داخل گذراییون و نشانه ای از این واقعیت که بدون يك پایه روشن سیاسی * اتحاد * درست به نفعی آن یعنی تشنج و قطع ماندن فعالیتهای علمی گذراییون (تا بعدی که در یکسال و نیم گذشته حتی بر سر انتخاب هیئت دبیران پنج نفری توافق نشده) تبدیل میشود * دانشجویان مستثنی و خروزی از گل اجتناع نمیدند * .

عقاید و دستجات سیاسی میان دانشجویان الرطاب انعکاسی است از عقاید و طبقه بندی موجود در اجتماع * ولی بر خلاف ادعاهای گروههای مائوئیستی ، حزب توده و پیام دانشجو وظیفه سوسیالیستها این نیست که در مقابل این تضاد اجتماعی سر تعظیم فرود آورند و در حفظ این ناهمگونی در لوی * اتحاد در عمل صرف نظر از اختلافات طبقاتی و ایدئولوژیک * بکوشند * اینکار تسلیم در برابر دید غالب ^{مستبد} بورژوازی است و در مقابل ایجاد آگاهی سوسیالیستی میان دانشجویان مانع راه میشود * در عمل با اتحاد گانه بوجود میآورد که با تشدید مبارزات طبقاتی و در نتیجه انعکاس بر این تشدید میان دانشجویان به تلاشی شدن جنبش دانشجویی خنجر خواهد شد * تنها راه خروج از این بن بست تجهبیز جنبش دانشجویی و اتحاد سیاسی آن بر مبنای عقایدیست که میتواند جنبش را جلو ببرد یعنی تجهبیز جنبش دانشجویی به مارکسیزم و بریدن از ایدئولوژیهای بورژوازی و ماقبل آن * وظیفه سوسیالیستها در جنبش دانشجویی نه پیشاند تضادها طبقاتی همگمرد جنبش ، بلکه برعکس مبارزه

سیاسی پیگیر و آگاه برای روشن شدن هرچه بیشتر این تضادها و اشاعه هرچه وسیعتر مارکسیزم میان دانشجویان است. تنها از این راه است که جنبش دانشجویی میتواند روابط ریشه‌ای خود را با مبارزات طبقاتی مستحکم سازد. این ادعا که سازمان سوسیالیستی یعنی تبدیل سازمان به "حزب سیاسی" حبابی توخالیست که با اشاره انگشتی و جبرود "یک حزب سیاسی انقلابی کارگری دارای برنامه مشخص سیاسی برای آموزش و تشکل طبقه کارگر و یارانش در مبارزات طبقاتی به‌ظهور برانداختن نظام فعلی و پیروزی انقلاب سوسیالیستی میباشد" چنین حزبی متشکل از گلیه کنالیست که این برنامه را قبول کرده، فعالیت سیاسی خود را وقف اعمال آن میکند. واضحست که چنین حزبی در گلیه جنبشهای شرقی اجتنابی از جمله جنبش دانش-جهان مداخله میکند و این مداخله هم درست بر اساس هم جهت کردن و همراه کردن این جنبشها

با جنبش انقلابی کارگری و تجهیز این جنبشها به سلاح سیاسی که میتواند در این دوره تاریخی شرقی باشد یعنی سوسیالیزم علمی میباشد. این هیچ ربطی به تبدیل سازمان دانشجویی به حزب سیاسی ندارد و تنها راه خروج از بحران فعلی گذر از سیون و اساسی‌ترین وظیفه دانشجویان ایرانی در شرایط فعلی است. ■

مازار

- ۱) دانشجوی دوره ۲۱، شماره ۱.
- ۲) پیگار، سال سوم، شماره ۲.
- ۳) هشور گذر از سیون مصوبه کنگره دوازدهم.
- ۴) ط و گذر از سیون، نشریه حزب توده ایران، آذر ۱۳۵۲.
- ۵) پیام دانشجوی، سال اول، شماره ۲، پائیز ۱۳۵۳.

معرفی و نقد کتاب

م-ر و مسأله استالین

درباره مسئله استالین* : مجموعه‌ای از نظرات گردآورنده م-ر، انتشارات مزدک، ایتالیا، ۱۹۷۴.

مختلف روشن نشود نمیتوان در مورد مجموعه اظهار نظر کرد و یاراهای پیشنهادی حل مسأله را ارزیابی نمود.

* مسأله استالین مانند بسیاری از مسائل*

دیگر، از تضاد بین واقعیت یعنی پدیده و برداشت ذهنی ظواهر آن ریشه میگیرد، بهمین دلیل مسأله فوق تمرین استاندارد ندارد و برای افرادی که از موقعیت اجتماعی و دیدگاههای مختلف حرکت میکند ملاحظاتی بخورد میگیرد. واضح است که خطوریک کارگر انقلابی و آگاه از طرح مسأله استالین با مفهوم رهبران حزب توده و یا بلغین رژیم از ریشه تفاوت است. عده ای حتی به وجود مسأله استالین معتقد نیستند. مثلاً، بوروکراتهای استالینیست این مسأله را ساخته و پرداخته از همان عوامل تروچکیست و دشمنان سوسیالیزم قلمداد میکند. برای ایشان تنها جنبه واقعی و ملموس مسأله استالین چگونگی پرستش* پیشوا و آموزگار کبیر، معمار کویسیم استالین ستیگ* است.

چنانکه از نام آن مشهود است، جزوه فوق مجموعه ایست از مقالات و اسناد مختلف که از دیدگاه گردآورنده آن، هر یک به نحوی از انحاء ارتباطی مستقیم و یا غیر مستقیم با مسأله استالین دارند. البته صحت و یا سقم نظر گردآورنده در سنجش ارتباط هر یک از حالات با مسأله استالین با شناخت او از ماهیت مسأله رابطه مستقیم داشته، تا زمانی که خطوریک از مسأله استالین و هدف جمع آوری این نظرات

* با هدف رضای از انتشارات مزدک و پیراز همدردی با وسوسهای لغوی ایشان — در بقیه این نقد بجای استالین* (با سین ساکن) بخاطر سادگی استالین بکار رفته است.